

اقتصاد ایران به سوی بهره‌جویی از مزیت‌های نسبی گام برمی‌دارد

اشاره:

اقتصاد ایران با وجود مشکلات ساختاری، آسیب‌های ناشی از هشت سال جنگ تحمیلی و وابستگی به درآمدهای ارزی حاصل از صادرات نفت خام، در سالهای اخیر بر اثر رشد فزاینده جمعیت در بیش از یک دهه گذشته با معضلی اساسی رو به رو شده است که بیکاری نسل جوان و تحصیلکرده است. فقدان فرصتهای شغلی مناسب با موقعیت نیروی کار در سالهای اخیر موجبات مهاجرت سالانه حدود نیم میلیون نفر را فراهم ساخته است که اکثر آنها جوانان فارغ‌التحصیل دانشگاههای کشور است.

با توجه به آنکه نیروی انسانی متخصص و ماهر یکی از منابع ارزشمند اقتصادی تلقی می‌شود و تربیت آن نه تنها برای خانواده‌ها، بلکه برای دولت هزینه‌های اقتصادی-اجتماعی در بر دارد، عزیمت آنها برای یافتن شغل مناسب به خارج از کشور معضلی دردناک است.

از آنجا که ایجاد فرصت‌های شغلی مولد نیازمند توسعه اقتصادی پویاست و موتور محرکه این توسعه به عقیده بسیاری از کارشناسان جهش در صادرات غیرنفتی است، توجه ویژه به مسأله رشد صادرات ضروری است.

با وجود تلاش‌های دولت و دست‌اندرکاران تجارت برای ایجاد تسهیلات مناسب جهت رونق صادرات غیرنفتی، هنوز درآمدهای حاصل از صدور کالاها و خدمات غیرنفتی کشور نه تنها متناسب با توانمندی‌های اقتصاد ملی نیست، بلکه با گسترش رقابت در عرصه بین‌المللی ضرورت دارد که در این عرصه تلاش وسیع‌تری صورت گیرد.

در این مقاله به بررسی وضعیت صادرات غیرنفتی ایران در سال گذشته و پیشرفت‌های حاصله در این زمینه می‌پردازیم.

بر اساس گزارش گمرک جمهوری اسلامی ایران، ارزش صادرات غیرنفتی کشور در سال ۱۳۸۰ با ۱۲/۴ درصد افزایش نسبت به سال ۱۳۷۹ به رقم سه میلیارد و ۹۱۷ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار رسید. میزان کالاهای صادر شده در این	مدت با ۹/۷ درصد رشد به ۱۵ میلیون و ۱۹۴ هزار تن بالغ شد. براساس همین گزارش، صادرات غیرنفتی ایران با در نظر گرفتن ۱۷۳ میلیون دلار صادرات از طریق بازارچه‌های مرزی و ۶۴ میلیون دلار از طریق تجارت	چمدانی، در مجموع به چهار میلیارد و ۱۵۴ میلیون و ۹۰۰ هزار دلار بالغ شد. مقایسه ارقام یادشده با اهداف برنامه سوم برای سال ۱۳۸۰ نشان می‌دهد که بخشی از اهداف برنامه محقق نشده است.
--	--	---

<p>صادراتی در این سال را تشکیل داد و در مجموع ۴۰/۱ درصد ارزش صادرات غیرنفتی کشور را تأمین کرد.</p>	<p>سال ۱۳۸۰ شامل فروش دستیاب (به میزان ۵۲۲/۱ میلیون دلار)، گازها ۴۳۱ میلیون دلار، پسته و مغز پسته ۳۴۳/۸ میلیون دلار، آهن‌آلات و فولاد ۱۹۵/۴ میلیون دلار، سایر کالاهای صنعتی ۱۷۹/۱ میلیون دلار، نفتای سبک ۱۱۴/۷ میلیون دلار، سایر محصولات پتروشیمی ۱۰۶ میلیون دلار، مصنوعات مسی ۱۰۰/۱ میلیون دلار، پوشاک ۸۷/۶ میلیون دلار، نخود و انواع بنشن ۶۶ میلیون دلار بوده است.</p>	<p>در برنامه ارزش صادرات کالاهای غیرنفتی برای سال ۱۳۸۰ به میزان ۵ میلیارد و ۹۴۷ میلیون دلار پیش‌بینی شده بود که به این ترتیب حدود ۳۰ درصد هدف برنامه تحقق نیافته است.</p>
<p>مقایسه ارقام فوق نشان می‌دهد که با وجود کاهش ارزش صادرات فروش دستیاب در سال گذشته، صادرات گازها و محصولات پتروشیمی بیش از دیگر اقلام در سبده صادرات غیرنفتی کشور جای باز کرده و بخش بیشتری از آن را تأمین نموده است، اگرچه هنوز حدود یک‌سوم صادرات غیرنفتی را محصولات سنتی تشکیل داده است.</p>	<p>نگاهی اجمالی به ارقام فوق، حاکی از آن است که هنوز بخش قابل توجهی از صادرات عمده را فروش دستیاب و پسته (کالاهای صادراتی سنتی) تشکیل می‌دهد که در مجموع حدود یک‌سوم ارزش صادرات غیرنفتی را شامل می‌شود.</p>	<p>چنانچه این روند تداوم پیدا کند، در برنامه سوم نیز حدود ۱۰ میلیارد دلار از هدف اصلی (دستیابی به ۳۴/۷ میلیارد دلار صادرات غیرنفتی) تحقق نمی‌یابد و چیزی بیش از یک سال از هدف برنامه دور خواهیم ماند.</p>
<p>از سوی دیگر افزایش سهم ۱۰ قلم کالای عمده صادراتی در مجموع ارزش صادرات غیرنفتی کشور از ۴۰/۱ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۵۴/۸ درصد در سال ۱۳۸۱ نکته درخور توجهی است که مزیت‌های صادراتی را نشان می‌دهد.</p>	<p>آمارهای رسمی گمرک در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که فروش دستیاب به ارزش ۶۱۹/۵ میلیون دلار، پسته و مغز پسته به ارزش ۳۱۸/۶ میلیون دلار، پروپان مایع ۱۰۸/۶ میلیون دلار، آهن و فولاد ۱۰۱/۶ میلیون دلار، ورق آهن ۶۸/۷ میلیون دلار، گازهای نفتی و سایر هیدروکربورهای گازی ۶۶/۴ میلیون دلار، قیر نفت ۶۰/۸ میلیون دلار، بنزن ۵۶/۸ میلیون دلار، کشمش ۵۵ میلیون دلار و بوتان به ارزش ۵۳/۱ میلیون دلار، ۱۰ قلم عمده کالاهای</p>	<p>با این حال بسیج تمامی امکانات و توانمندی‌ها برای رشد صادرات غیرنفتی به منظور ایجاد تحول در موقعیت اقتصادی، بازرگانی کشور و نیز اشتغال مولد برای نیروی انسانی کارآزموده کشور، الزامی است.</p>
<p>با توجه به آنکه ایران از کشورهای غنی در منابع معدنی به ویژه نفت خام، گاز طبیعی، سنگ آهن و... است، سرمایه‌گذاری برای افزایش تولید و صادرات فرآورده‌های پایین دستی با ارزش افزوده بالاتر حایز اهمیت است و توان رقابت اقتصاد ملی در عرصه</p>	<p>بررسی ارقام صادرات غیرنفتی کشور نشان می‌دهد که ۱۰ قلم کالای عمده صادراتی ۳۱/۳ درصد وزن و ۵۴/۸ درصد ارزش صادرات در سال ۱۳۸۰ را تشکیل داده است. به عبارتی نقش و اثر یک‌سوم اقلام صادراتی عمده کشور بیش از نیمی از مجموع ارزش صادرات را دربرمی‌گیرد و سرمایه‌گذاری برای رونق صادرات این اقلام کمک بسزایی در افزایش درآمدهای ارزی خواهد داشت.</p>	<p>بررسی ارقام صادرات غیرنفتی کشور نشان می‌دهد که ۱۰ قلم کالای عمده صادراتی ۳۱/۳ درصد وزن و ۵۴/۸ درصد ارزش صادرات در سال ۱۳۸۰ را تشکیل داده است. به عبارتی نقش و اثر یک‌سوم اقلام صادراتی عمده کشور بیش از نیمی از مجموع ارزش صادرات را دربرمی‌گیرد و سرمایه‌گذاری برای رونق صادرات این اقلام کمک بسزایی در افزایش درآمدهای ارزی خواهد داشت.</p>

بین‌المللی را قوت می‌بخشد و سهم ایران را در تجارت جهانی بهبود می‌بخشد.

با این وصف سرمایه‌گذاری در طرح‌های استخراج گاز طبیعی و فرآوری آن، احداث خطوط لوله انتقال گاز به کشورهای همسایه، ایجاد واحدهای پتروشیمی که قادر به تولید فرآورده‌های ارزشمندتر باشد و نیز صنایع فلزی از بعد تقویت بینه صادرات و اشتغال‌زایی اهمیت دارد.

در این زمینه می‌توان بسا بهره‌جویی از فناوری روز و سرمایه‌گذاری خارجی گام‌های

اساسی برداشت. خوشبختانه قوانین مربوط به سرمایه‌گذاری خارجی، مالیات‌ها، بهره‌برداری از معادن و... در سال‌های اخیر به نحو مطلوبی اصلاح

شده و زمینه قانونی لازم برای جذب فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی را فراهم ساخته است.

در این راستا تداوم و گسترش سیاست تسنن‌زدایی و جلب سرمایه‌گذاران خارجی اهمیت فزاینده‌ای دارد که دولت در این زمینه‌ها نیز توفیق نسبی به دست آورده است.

با توجه به سهم اصلی ۱۰ قلم عمده کالاهای صادراتی در مجموع صادرات غیرنفتی کشور، آشکار می‌شود که هر اندازه تلاش و سرمایه‌گذاری جدید در این اقلام صورت پذیرد، با وجود مزیت نسبی ایران به ویژه در بخش گازها و فرآورده‌های پتروشیمی و مصنوعات فلزی، بازده آن در بخش صادرات درخور توجه خواهد بود. لذا کارشناسان بر ایجاد فضای مساعد برای عقد قراردادهای سرمایه‌گذاری به ویژه در بخش نفت و گاز و پتروشیمی تأکید دارند.

در همین حال چنانچه تداوم

نقش و اثر یک سوم اقلام صادراتی عمده کشور در سال ۱۳۸۰ در ارزش صادرات غیرنفتی بیش از ۵۰ درصد بود. سرمایه‌گذاری برای رونق تولید و صادرات این اقلام به جهش در صادرات غیرنفتی کمک بسزایی خواهد کرد.

صادرات سنتی مدنظر باشد، می‌بایست برنامه‌ریزی منسجم و واقع‌بینانه‌ای در این زمینه صورت پذیرد. فرش دستباف از دیرباز یکی از اقلام اصلی صادرات غیرنفتی ایران بوده است. با این حال ارزش صادرات این بخش در سال‌های اخیر پیوسته سیر نزولی داشته و با توجه به اشتغال نزدیک به ۲ میلیون

نفر در سراسر کشور به این حرفه نکته درخور توجهی است که بازنگری در برنامه‌ها و سیاست‌های تولید و تجارت این بخش را الزامی ساخته است.

به عقیده کارشناسان، توجه به سلیقه مشتریان، میزان عرضه فرش دستباف به بازارها، شناسایی بازارهای جدید و توجه به کیفیت مواد اولیه و بافت فرش، می‌تواند تولید و صادرات آن را رونق بخشد. صادرات فرش دستباف ایران در سال ۱۳۷۳ به حدود ۲ میلیارد دلار و سهم ایران در تجارت جهانی فرش به بیش از ۴۰ درصد رسید،

اما در سال گذشته ارزش فرش‌های صادراتی کمتر از ۶۰۰ میلیون دلار (یک‌سوم رقم یادشده) و سهم ایران به کمتر از ۳۰ درصد افت کرد. با این

وصف بازنگری در برنامه‌ریزی و بازاریابی فرش ضرورت دارد.

اکثر کارشناسان اقتصادی، با اشاره به مزیت نسبی فزاینده صادرات محصولات صنعتی و ارزش افزوده بیشتر آن، عقیده دارند که بخش عمده سیاست‌های اقتصادی و بازرگانی کشور می‌بایست در حول محور صادرات

صنعتی شکل بگیرد. این امر نه تنها بینه رقابت اقتصاد ملی را در بلندمدت حفظ و تقویت خواهد کرد، بلکه به لحاظ بهره‌برداری گسترده‌تر از منابع زیرزمینی، فرآوری و ایجاد اشتغال مولد و متضمن کارآیی حایز اهمیت است.

کارشناسان عقیده دارند که اقتصاد ایران در آینده نزدیک می‌بایست به سوی جذب فناوری و سرمایه‌گذاری خارجی گام بردارد و زمینه‌های لازم را برای تحقق چنین هدفی فراهم آورد. با این وصف نه تنها دستیابی به توسعه اقتصادی پایدار، ایجاد فرصت‌های اشتغال مولد و رونق صادرات غیرنفتی تسهیل خواهد شد، بلکه بازده اجتماعی آن در حل معضلات و دغدغه‌های دولت بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر ارزش نسبی صادرات غیرنفتی ایران در سال گذشته به حدود ۴۰ سنت رسید و این در حالی بود که متوسط ارزش دلاری یک کیلوگرم کالای صادراتی کشور در سال ۱۳۷۹ با حدود ۳/۷ درصد افزایش نسبت به سال ماقبل به رقم ۲۶/۸ سنت رسید. به عبارتی ارزش هر کیلوگرم کالای غیرنفتی صادراتی کشور در سال گذشته نسبت به سال ۱۳۷۹ حدود ۵۰ درصد افزایش داشت که این نکته درخور توجهی است. این رشد

ثابت می‌کند که اقتصاد ایران به سوی صدور کالاهای با ارزش افزوده بالاتر گام برداشته و از مزیت‌های نسبی موجود بهتر بهره‌جسته است.

به عقیده کارشناسان، یکی از الزامات سیاست‌گذاری در صادرات غیرنفتی، حرکت به سمت صدور کالاهای با ارزش افزوده بالاتر است که دست‌اندرکاران تولید و تجارت آن را از سود بیشتر بهره‌مند می‌سازد. چنانچه صادرات با سود بیشتر همراه باشد، تلاش برای بازاریابی جدید، تبلیغات و نفوذ در بازارهای هدف بیشتر خواهد شد و در بعد داخلی نیز اشتغال‌پایداری را موجب می‌گردد.

با وجود آن که هنوز با برنامه سوم از نظر کمیت درآمد صادراتی فاصله داریم، اما افزایش نسبی ارزش صادرات حماکی از حرکت صحیح به سوی بهره‌جویی از مزیت‌های نسبی است که این حرکت می‌بایست با پشتیبانی دولت روزبه‌روز تقویت گردد.

انتظار می‌رود که در سال جاری رشد صادرات غیرنفتی در حدود ۲۰ درصد تداوم پیدا کند، هر چند که تصور نمی‌رود هدف برنامه (دستیابی به صادرات کالاهای غیرنفتی به میزان ۷/۲ میلیارد دلار) تحقق پیدا کند.

برخی کارشناسان عقیده دارند که استفاده از تجارت الکترونیکی برای بازاریابی و بازرگشایی می‌تواند کمک بسزایی به صادرکنندگان کالاهای غیرنفتی داشته باشد. آنها عقیده دارند که از این طریق می‌توان مشتریانی را در گوشه و کنار جهان یافت که دستیابی و برقراری ارتباط با آنها از طرق دیگر شاید به سال‌ها وقت و هزینه‌های گزاف نیاز داشت.

در حال حاضر میزان بهره‌جویی از تجارت الکترونیکی در بخش صادرات با وجود تلاش‌های انجام شده از سوی وزارت بازرگانی و نهادهای وابسته به آن، بسیار اندک است. در این زمینه گسترش برنامه‌های آموزشی برای صادرکنندگان و متقاضیان ورود به عرصه تجارت خارجی، ارایه تسهیلات مناسب و قانونی برای انجام معاملات در یک اتاق و... ضروری است.

انتظار می‌رود وزارت بازرگانی بیش از گذشته در این زمینه فعالیت و برنامه‌ریزی داشته باشد تا ضمن کاهش هزینه‌های تجارت برای صادرکنندگان، رونق صادرات غیرنفتی نیز محقق گردد.

